

خشونت علیه زنان تنها شامل خشونت فیزیکی نمی‌شود، خشونت علیه زنان شامل آزار جنسی، عاطفی، روانی و مالی نیز می‌شود

از پيلهات بیرون بیا

فائزه صدیقی
نویسنده
Fa.sedighi@gmail.com

چند وقت پیش ویدیویی در دنیای مجازی فراگیر شد که در آن دوزن در حال انجام مکالمه تصویری و صحبت از دستور پخت غذا بودند، تا اینجای داستان همه چیز داشت خیلی معمولی و شبیه بقیه ویدیوهای عادی پیش می‌رفت، اما یک دفعه یکی از آنها وسط صحبت کردن، با دستش علامتی را جلوی دوربین نشان داد که باعث شد زن دوم بی‌اراده، خنده روی لب‌هاش خشک شود و سکوتی ناگهانی و کوتاه کند. بعد با سختی سعی کرد به مکالمه قبلیشان به صورت عادی ادامه بدهد تا توجه همسر زن اول که در پس زمینه تصویر دیده می‌شد به این شرایط جلب نشود.

اما ماجرای این اتفاق چه بود؟

داستان این بود که زن اول با دست‌هایش علامتی را نشان داد که در دنیای امروز نشانه این است که آن شخص تحت خشونت خانگی قرار دارد و با نشان دادن این علامت ضمن اعلام این موضوع از زن دوم درخواست کمک کرد.

برای پرداختن به نکته‌ای که در این داستان برای من جالب بود و دوست دارم در موردش با هم صحبت کنیم باید کمی دکمه عقب رفتن ماجرا را برنیم و به روزها و حتی ماه‌ها و سال‌های قبل از این ماجرا نگاهی بیندازیم. به زمانی که آن زن تحت خشونت خانگی قرار می‌گرفت و آزار می‌دید و سختی این شرایط را تحمل می‌کرد. آن زمان شاید برای بیان این مطلب که دارد آزار می‌بیند و تحت فشار قرار داشته، ترسیده، ترسیده که با گفتن آن چه فشاری را به خودش وارد می‌کند. ترسیده که ممکن است نه تنها مشککش حل نشود که چه بسا همسرش شدیدتر و بدتر از قبل او را تحت فشار قرار بدهد، آزار ببیند و همه چیز بدتر بشود. حتی ممکن است زن فرزندی داشته باشد و فکر کردن به آینده موهوم این رابطه بعد از افشای خشونت خانگی همسرش و سرنوشت بچه‌ها هر بار او را از گفتن حقیقت منصرف می‌کرده.

اما یک روز و یک جایی از زندگی‌اش، شاید بعد از یک دعوای سخت دیگر و یا حتی وسط عادی‌ترین لحظاتی که داشته آشپزی‌اش را می‌کرده یا به گلدان‌های خانه‌ش آب می‌داده یا موهای بچه‌اش را شانه می‌کرده، تصمیم گرفته که این خشونت را افشا و طلب کمک کند. برای خودش و زندگی‌اش و در واقع رهایی از وضع نامطلوبی که تحمل می‌کرده تصمیم مهمی گرفته و این تصمیم چیزی نیست جز یک گام بزرگ در توسعه فردی‌اش.

همان طور که می‌دانیم توسعه فردی (Personal Development) یک سری از فعالیت‌ها و مهارت‌هایی است که یادگیری آنها به ما کمک می‌کند تا در روابط شخصی، اجتماعی، کاری و تحصیلی خودمان بهتر عمل کنیم. به زبان ساده توسعه فردی به هر فعالیتی که برای بهبود خودمان



خشونت روانی

آزار روانی و عاطفی می‌تواند شامل طیفی از رفتارهای کنترل‌گرانه مانند کنترل امور مالی، دور کردن از خانواده و دوستان، تحقیر مداوم، تهدید به واسطه کودکان یا تهدید به جراحات یا مرگ باشد.

بخش مالی

سوءاستفاده مالی یا اقتصادی شامل کنترل پول یا سایر دارایی‌های زن است به طوری که دسترسی به آن نداشته باشند یا استقلال مدیریت آن را نداشته باشند، همچنین می‌تواند شامل سرقت پول نقد، اجازه ندادن به قربانی برای شرکت در تصمیمات مالی یا جلوگیری از داشتن شغل تعریف شود.

دلایل

برخی تصورات کلیشه‌ای یا نادرست در دایره دلایل خشونت علیه زنان وجود دارد، از جمله:

- مردان نمی‌توانند خشم یا میل جنسی خود را کنترل کنند.
- الکل باعث خشونت مردان می‌شود.
- زنان اگر بخواهند، می‌توانند شرکای خود را ترک کنند.



خشونت

اعمال خشونت‌آمیز بین افرادی که رابطه صمیمی دارند یا داشته‌اند، رخ می‌دهد. یک الگوی رفتاری تکراری با هدف کنترل شریک زندگی از طریق ترس، به عنوان مثال با استفاده از رفتار خشونت‌آمیز و تهدیدآمیز بیشتر موارد، رفتار خشونت‌آمیز روشی برای اعمال قدرت و کنترل بر زنان و همچنین فرزندان است، رفتار تهدیدآمیز یا خشونت‌آمیز می‌تواند شامل آزار جسمی، جنسی، عاطفی، روانی و مالی باشد.

خشونت فیزیکی

خشونت فیزیکی می‌تواند شامل سیلی زدن، هل دادن، ضربه زدن، مشت زدن، لگد زدن، چرخاندن دست‌ها، خفگی و سوزاندن یا ضربه چاقو باشد.

خشونت جنسی

هرگونه عمل جنسی بدون رضایت یا تلاش برای انجام عمل جنسی، یا سایر اعمالی است که به اجبار، توسط فردی بدون رضایت شخص مقابل انجام می‌گیرد. این تعریف شامل تجاوز جنسی به عنوان اجبار فیزیکی نیز تعریف می‌شود. تجاوز جنسی یا خشونت جنسی می‌تواند شامل تجاوز جنسی، تجاوز جنسی با ابزار، اجبار به تماشای شرکت در هزنه‌نگاری، تن‌فروشی اجباری و آوار شدن به رابطه جنسی با دوستان مجرم باشد.

زهرالصالحی‌نیا

نویسنده

سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز نسبت به زنان را که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی شود یا احتمال وقوع آسیب داشته باشد، خشونت علیه زنان می‌گویند، همچنین تهدید، اجبار یا محرومیت زنان و نقض آزادی آنها چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی نیز از مصادیق خشونت علیه زنان است.»



خشونت علیه زنان در رسانه و فضای مجازی

این خشونت می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ آزار و اذیت سایبری، تهدید به تجاوز جنسی یا قتل. افرادی که خشونت انجام می‌دهند می‌توانند شریک یا شریک سابق، همکار، همکلاسی یا همان طور که اغلب اتفاق می‌افتد، افراد ناشناس باشند. برخی از زنان، مانند مدافعان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و شخصیت‌های معروف و سیاستمداران، بویژه در معرض خطر هستند.

اساساً علت اصلی خشونت علیه زنان و دختران نابرابری جنسیتی (تبعیض، کلیشه‌های جنسیتی، جنسیت‌گرایی) است. علاوه بر این، زنانی که نسبت به جامعه از برجستگی جسمی یا روحی یا مهارتی برخوردارند، بیشتر هدف این‌گونه خشونت‌ها قرار می‌گیرند.

این مدل از خشونت تأثیر مخربی که دختران زنان علت اصلی این مدل خشونت را جنسیت خود می‌دانند و در بسیاری از موارد خود و جنسیت خود را به عنوان عامل این مشکلات می‌پذیرند و همین باعث می‌شود که از خود و جنسیت خود دور شده یا بیزار شوند، خشونت و سوءاستفاده آنلاین ممکن است حق زنان را برای بیان یکسان، آزادانه و بدون ترس محدود کند و در نتیجه زنان اغلب ساکت می‌مانند شاید در امان باشند. در بسیاری از موارد تأثیر بر قربانیانی که آزار و اذیت

تحقیقات نشان داده است که عوامل مهم خشونت علیه زنان عبارتند از:

- توزیع نابرابر قدرت و منابع بین مردان و زنان.
- پایبندی به نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی کاملاً مشخص شده، یعنی تعریف کلیشه‌ای مردانگی و زنانگی. نگرش‌هایی که خشونت را تأیید یا تحمل می‌کنند به عنوان نقش اصلی در شکل دادن به نحوه واکنش افراد، سازمان‌ها و جوامع به خشونت شناخته می‌شوند، پنج دسته کلیدی از مدل تفکری را که از خشونت علیه زنان حمایت می‌کنند در ادامه بررسی می‌کنیم:
- توجیه خشونت بر اساس این تصور که استفاده از خشونت توسط مرد علیه زن مشروع است.
- توجیه خشونت با نسبت دادن آن به عوامل بیرونی (مانند استرس) یا این فکر که مردان نمی‌توانند به طور کامل مسئول رفتار خشونت‌آمیز خود باشند (مثلاً به دلیل عصبانیت یا تمایلات جنسی).
- بی‌اهمیت جلوه دادن تأثیر خشونت، بر اساس این دیدگاه که تأثیرات خشونت جدی نیست یا به اندازه کافی جدی نیست که تأثیری بر جامعه زنان و سپس جامعه انسانی بگذارد.
- خشونت را با انکار جدی بودن آن، انکار وقوع آن یا انکار اینکه برخی رفتارها واقعاً خشونت هستند، به حداقل برسانند، در واقع اصل وجود خشونت را منکر شوند.
- تقصیر خشونت را از مجرم به قربانی منتقل کنید یا زنان را حداقل تا حدی مسئول قربانی شدن خود بدانند.



یک روز و یک جایی از زندگی‌ش، شاید بعد از یک دعوای سخت دیگر یا حتی وسط عادی‌ترین لحظاتی که داشته آشپزی‌اش را می‌کرده یا به گلدان‌های خانه‌اش آب می‌داده یا موهای بچه‌اش را شانه می‌کرده، تصمیم گرفته که این خشونت را افشا و طلب کمک کند

